

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیا تعلیم و تربیت

بار ارزشی دارد

دوره، هشتم، شماره پنجم

نام جزوه: آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

۴ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

فهرست مطالب

Error! Bookmark not defined...... مقدمه

Error! Bookmark not defined. تعریف هدف

Error! Bookmark not defined. هدف از تعلیم و تربیت

Bookmark not defined. هدف نهایی و برتر تعلیم و تربیت

Error! Bookmark not defined. مقام قرب الهی

Error! Bookmark not defined. آثار قرب به خدا

Error! Bookmark not defined. ارکان سعادت بشر

Error! Bookmark not defined. اما رکن اوّل یعنی:

دوره هشتم، شماره پنجم / ۵

تعریف ارزش

دیدگاه‌های مختلفی در مورد ارزش وجود دارد؛ بعضی آن را از نظر علمی، گروهی از دید فلسفی و برخی نیز از چشم انداز اقتصادی، اخلاقی و ذهنی تفسیر کرده‌اند.

ارزش از دیدگاه علمی

علم‌گرایان که همه مسائل را از پشت عینک علم بررسی می‌کنند، ارزش را نیز از این دید تفسیر کرده‌اند؛ آنان معتقدند: ارزش از علم زاییده می‌شود؛ به عبارت دیگر، علم ارزش را می‌زاید. و مقصودشان از علم در این جا، علم تجربی است که

۶ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

پرده از ظاهر ماده و مادیات بر می دارد^۱ و واقعیّت‌هایی را کشف می کند. می گویند: علم با کشف حقیقی خود واقعیّت هستی را نشان می دهد و انسان باید آنچنان عمل کند که علم به او می گوید، نه آنچه در فطرت و نهاد باطنی او است.

واقعیّت «چگونه هست و چگونه نیست به عهده علم است، و چه باید کرد و چه نباید کرد به عهده اخلاق»^۲ هانری می گوید:

«در علم فیزیک به سؤالاتی می توان پاسخ داد که اوّل لفظ آنها «چگونه» باشد و به اغلب سؤالاتی که در آنها لفظ «چرا» باشد، علم فیزیک نمی تواند

۱. علمی چون جامعه شناسی، روان شناسی، زیست شناسی، جغرافیا و... تحت عنوان علوم تجربی قرار می گیرند.

۲. دانش و ارزش، ص ۱۳.

دوره هشتم، شماره پنجم / ۷

جواب بدهد؛ مثلا، جواب سؤال «چگونه دو جسم همدیگر را جذب می کنند؟» را قانون جاذبه نیوتن به خوبی داده؛ ولی جواب سؤال «چرا دو جسم همدیگر را جذب می کنند؟ داده نشده است»^۱.

بنابراین، علم از چگونگی سخن می گوید، و این چگونگی بدنبال خود، ارزش و اخلاق را می آفریند. مثلا، تبعیض نژادی در دنیا و استثمار نژاد سیاه امروز، بر پایه علم استوار است. علم نشان می دهد که انسان ها از لحاظ رنگ و از لحاظ خصایص بدنی با هم متفاوت اند و نژاد پست تر باید تحت سلطه نژاد برتر باشد، چنانکه گفته اند:

۱. اثبات وجود خدا، به قلم چهل نفر از دانشمندان، ص ۴۷.

۸ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

یک نگاه به چهار جلد کتابهای ضخیم کنت گوینو درباره «نابرابری نژادهای بشری» نشان می دهد. که کوششی به کار می رفته است تا تفاوت میان نژادها به طریق علمی نشان داده شود. حتی در اثبات علمی این مطلب گاهی چنان افراط می کردند که از توسل به هیچ خرافه و مضحکه ای نیز دریغ نمی داشتند. جناب ساموئل کارت رایت، در مقاله ای، وقتی دستش از همه جا کوتاه شده برای اثبات حیوانیت سیاهان به شکل موهای آنان متوسل شده است که «ساقه هر موی آنان همچون پشم گوسفندان با پوششی فلس مانند پوشیده شده است و همچون پشم می توان آنها را به هم بافت، موی حقیقی هرگز این چنین نیست... سیاهان از نظر حس

دوره هشتم، شماره پنجم / ۹

بویایی بسیار نزدیک به حیوانات پست اند و می توانند فقط با بو کردن، مار را تمیز دهند»^۱.

ارزش از دیدگاه فلسفی

ارزش از این دیدگاه، بستگی به حدّ وجودی موجودات دارد، موجودات دارای مراتب وجودی هستند، بعضی در مرتبه عالی از وجود و برخی دیگر در نازل ترین مرتبه وجودی می باشند؛ چنانکه گفته اند: عقل دارای عالی ترین مرتبه وجود امکانی و ماده از نازل ترین مرتبه وجودی برخوردار است. به همین جهت کمال وجودی عقل به مراتب از کمال وجودی ماده بیشتر خواهد بود.

ماده در سیر خود به هر مرتبه از وجود که می رسد ارزش بالاتری را کسب می کند. در مرتبه نباتی، ارزش در خور این مرتبه را دارا می شود، و آن گاه که به دو مرحله حیوانی و انسانی می رسد از کمال وجودی بیشتری برخوردار می گردد. بنابراین، قوام ارزش در فلسفه، بستگی به کمال وجودی موجود دارد. در ارزش فلسفی، توجه به عمل و اخلاق و... معطوف نیست؛ بلکه آن گاه که موجودات را در مقایسه با یکدیگر قرار می دهیم، آن که بهره وجودی اش بیشتر باشد و از قوای عالی تری برخوردار باشد، دارای ارزش بیشتری است، یعنی، کمال وجودی بالاتری را دارا است.

دوره هشتم، شماره پنجم / ۱۱

کمال وجودی هر موجود، بسته به عوارض و خصوصیات است که از او ظاهر می شود؛ به عنوان مثال، آنچه از نباتات ظاهر می شود، نشو و نمو، و آنچه حیوانات در بردارنده آن هستند، احساس و حرکت و شعور است، و وجود انسان، از اراده، اختیار و عقل بهره مند است. این نکته قابل ذکر است که ارزش حقیقی هر موجودی به آخرین درجه از فعلیتش بستگی دارد؛ مانند، سیب دادن برای درخت سیب، که آخرین کمال درخت سیب است و کمالات قبلی، چون شاخ و برگ و شکوفه و... کمالات مقدمی درخت محسوب می شوند و در واقع به عنوان آلت و اسباب برای کمال عالی - که سیب دادن است - می باشند. و نیز گفته اند: رسیدن انسان

۱۲ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

به عقل فعّال و عقل کل - که عالی ترین مرتبه وجودی را تشکیل می دهد - کمال فعلیت اوست؛ زیرا به بالاترین مرتبه از قرب الهی می رسد.

ارزش اقتصادی

ارزش اقتصادی به نحو «ارزش استعمالی» و «ارزش مبادله ای» مطرح می شود. آنچه انسان برای رفع نیازمندی می خواهد و مصرف می کند و به کار می برد، ارزش استعمالی است؛ و آنچه در مقام مبادله مطرح می شود، ارزش مبادله ای؛ برخی از اقتصاددانان سعی نموده اند انگیزه هایی را که موجب ارزش مبادله می شود کشف کنند. البته بحث ارزش در اقتصاد شایان توجه است^۱. و از آن جایی که در

۱. آشنایی با علم اقتصاد، ص ۷۱.

دوره هشتم، شماره پنجم / ۱۳

این جا نیاز به آن نیست از بیان آن صرف نظر می کنیم.

ذهنی بودن ارزش

«هابز» مدّعی ذهنی بودن کامل ارزشهاست؛ از این رو معتقد است، داوری هیچ انسانی درباره ارزشها نمی تواند نادرست باشد. او می گوید: «خوب، نامی است برای چیزهایی که ما را به سوی خود جذب کنند؛ به عبارت دیگر، صفت «خوبی» که ما به چیزی نسبت می دهیم در ذات آن چیز نیست، بلکه احساسی است که در خود ما وجود دارد. بنابراین، اختلاف نظر درباره ارزشها، همان اختلاف نظر درباره سلیقه ها است. خوب و بد، چیزهایی ذهنی و خصوصی هستند؛ یعنی چیزهایی را که خوب

۱۴ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

می‌نامیم، چیزهایی هستند که ما را جذب می‌کنند؛ خوب برای ما آدمیان فقط آن چیزی است که هدفِ اشتها و رغبتمان قرار گیرد»^۱.

ارزش اخلاقی

مسلم است که در اخلاق، صحبت از ارزش علمی، یا ارزش ذهنی و نیز ارزش فلسفی و اقتصادی نیست؛ به عبارت دیگر، خوب و بد، باید و نباید، انجام دادن و انجام ندادن، چگونه بودن و چگونه شدن در اخلاق، براساس علم، ذهن، فلسفه و اقتصاد نیست.

ارزش اخلاقی بر چند اصل تکیه دارد که با وجود این اصول، می‌شود آن را تعیین و مشخص

۱. خداوندان اندیشه، ج ۲، قسمت اول، صص ۱۱۸ - ۱۱۹.

دوره هشتم، شماره پنجم / ۱۵

کرد. و از آن جا که در موضوع تعلیم و تربیت انسان است، و انسان از نفسی دارای اختیار، اراده و عقل و شعور برخوردار است، و ارزشهای جبری را که علم برای او تعیین نماید نمی پذیرد، ناچاریم حقیقت انسان را مورد توجه قرار دهیم تا ارزش اخلاقی و اصول و ملاک آن برای ما معلوم گردد.

جستجو در انسان

اولا: با نظر و دقت در انسان متوجه می شویم که این موجود دارای غرایز، میلها و کششهایی است که یکنواخت نیستند، هر یک از آنها خواسته های مختلفی را در انسان به وجود می آورند و انگیزه ای برای اراده و شوق های گوناگون می گردند. و مسلم است که خواسته ها و انگیزه های انسان در یک

مرتبه نیستند؛ بعضی در مرتبه ای بالا، و برخی در مرتبه نازل قرار دارند. با توجه به ناهمگونی میلها و کششها و اختلاف مراتب، عقل - که خود نیرویی بزرگ و تشخیص دهنده در انسان است - حکم می کند به این که باید امیالی که در مرتبه پایین هستند در اختیار میل در مرتبه عالی قرار گیرند؛ و در نهایت، میل عالی انسان، آن میل و کششی است که از عالی ترین مرتبه کمال برخوردار است و مطلوب کامل را می طلبد، و آن افعال و کارهایی که در جهت مطلوب کامل باشد و خواسته متعالی انسان را برآورد، ارزش است.

بنابراین، ارزش اخلاقی چیزی است که انسان را به کمال نهایی اش نزدیک می کند. و یکی از

دوره هشتم، شماره پنجم / ۱۷

اصولی که می توان گفت ارزش اخلاقی به آن متکی است، وجود مطلوب کامل و کمال نهایی است، که انسان با توجّه به آن به فعل خود ارزش می دهد. اگر انگیزه یا میلی، شخص را به جانب آن سوق داد و کارهایی در این مورد از او صادر شد می گوییم: آن انگیزه و این کار، خوب و از ارزش مثبت برخوردار می باشد، و اگر در جهت مخالف آن باشد، می گوییم: بد و دارای ارزش منفی می باشد؛ به این معنا که این کار ممکن است برای امیال حیوانی و شهوانی انسان دارای ارزش مثبت باشد ولی برای مقصود معنوی و کمال نهایی ارزش منفی داشته باشد. به همین جهت، ارزش مثبت و ارزش منفی در مقایسه با مطلوب نهائی انسان است، و ضرورت دارد.

ثانیاً: وجود میل ها و کشش های مخالف در انسان گویای حقیقتی در انسان است و آن این که نفس انسانی از صفتی به نام اختیار برخوردار است که در هنگام قرار گرفتن بر سر چند راهی، یکی را انتخاب می کند؛ چرا که او در یک لحظه نمی تواند به چند میل مخالف یکدیگر جواب مثبت دهد. هم میل دارد بخوابد و هم درس بخواند، در حال خوابیدن نمی شود مطالعه کرد و برعکس، باید یکی را انتخاب نماید. حال، کسی که مطلوب نهایی را دانشمند شدن قرار داده است، در این جا از خواب می گذرد، درس می خواند؛ از تفریح و استراحت در رختخواب دست می کشد و مطالعه می کند. انتخاب این کار دارای ارزش اخلاقی مثبت و خوب بوده و

دوره هشتم، شماره پنجم / ۱۹

خلاف آن، بد است؛ فلذا دوّمین اصلی که می توان گفت ارزش اخلاقی به آن متّکی است، مسأله اختیار و قدرت و انتخاب است؛ پس در جایی که اختیار نیست و انسان در آن جا از قدرت انتخاب، برخوردار نباشد بحث از ارزش اخلاقی وجود نخواهد داشت.

ثالثاً: انسان مختار، هیچ کاری را بدون آگاهی انتخاب نمی کند زیرا هیچ کاری بدون آگاهی و صورت علمی آن انجام نمی گیرد، اگر فعلی را در جهت مطلوب یا خلاف آن برمی گزینند از روی آگاهی بر می گزینند. این آگاهی در هر مرتبه ای باشد ارزش آن متناسب با همان مرتبه خواهد بود. اگر عمل روی درک احساس انجام گیرد و درک عقلانی در آن وجود نداشته باشد - هر چند این کار در

۲۰ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

جهت کمال نهایی باشد - از ارزش کمتری برخوردار خواهد بود و کاری که ناشی از درک عقلانی باشد و انسان با توجه به ارزیابی عقل وارد عمل شده باشد، مسلم است که ارزش آن در مرتبه عالی تری قرار خواهد داشت. آن آگاهی که انگیزه اش میل و احساس شهوانی و حیوانی باشد، به مراتب ارزشش کمتر است تا آن آگاهی که انگیزه اش عقل، فطرت معنوی و انسانیت باشد. و باید توجه داشت که درک احساسی آن گاه دارای ارزش مثبت است که در جهت مطلوبیت مثبت باشد. در غیر این صورت، ارزش آن نسبت به مطلوب نهایی که انسان برگزیده است منفی خواهد بود - هر چند نسبت به مطلوب حیوانی دارای ارزش مثبت باشد - بر این اساس،

دوره هشتم، شماره پنجم / ۲۱

سوّمین اصل در ارزش اخلاقی، درک و آگاهی و انتخاب آگاهانه است.

رابعاً: افعال طبیعی ارزش اخلاقی ندارند؛ و نمی توان به ثمر رسیدن درخت میوه و... را بر اساس ارزش اخلاقی سنجید. بنابراین، اگر بُعد وجودی و حقیقی انسان را فقط طبیعت مادی او تشکیل می داد هیچ گاه مسأله ای به نام ارزش اخلاقی در مورد او مطرح نبود. بدین لحاظ پی می بریم که حقیقت انسان را بُعد طبیعی و مادی او تشکیل نمی دهد؛ بلکه باید یک عنصر معنوی و روحانی را دارا بوده و افعال او ناشی از آن عنصر باشد تا بحث از ارزش اخلاقی در او معنی پیدا کند. بحث ما فعلا در این نیست که آن حقیقت غیر مادی چیست؟ آنچه لازم

۲۲ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

است دانسته شود پذیرفتن این اصل است که در جای خودش به اثبات رسیده است^۱. بنابراین، چهارمین اصل در مورد ارزش اخلاقی این است که انسان از حقیقتی غیر مادی برخوردار باشد.

با توجه به مطالب مزبور، می توانیم ارزش اخلاقی را تعریف کرده و اصولی که ارزش اخلاقی به آن متکی است - و نیز ملاک آن - را بیان کنیم. ارزش اخلاقی، عبارت است از آنچه که انسان با اختیار و در جهت هدفی آگاهانه انجام می دهد و این، دو گونه است: ارزش اخلاقی مثبت که در آن رسیدن به کمال نهایی و هدف حقیقی و اعلاای انسان

۱. در بحث از موضوع تعلیم و تربیت، به طور اختصار آن را بیان داشتیم.

دوره هشتم، شماره پنجم / ۲۳

مقصود است. و ارزش اخلاقی منفی که در جهت هدف اعلا و کمال انسانی نیست. اصولی که ارزش اخلاقی متکی به آنها است عبارتند از:

۱ - داشتن هدف.

۲ - وجود اختیار.

۳ - انتخاب آگاهانه.

۴ - برخوردار بودن انسان از حقیقتی غیر

مادّی.

و اینک، برای روشن شدن هدف اعلا که همان

کمال مطلق است مطالبی را یادآور می شویم.

انسان از یک حقیقت غیر مادّی برخوردار است

و آن غریزه ای است به نام حبّ ذات؛ هیچ کس

نمی تواند بگوید: «من حبّ ذات ندارم و خودم را

۲۴ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

نمی‌خواهم». این که کسی تلاش می‌کند زنده بماند، خود را از سرما و گرما حفظ می‌کند، مضرات را دفع می‌نماید، گویای این است که خود را می‌خواهد و دوست دارد. علاوه بر این، انسان همیشه به دنبال نفع و سود خویش است، چیزی را بر می‌گزیند که به او نفعی برساند.

انسان از نظر معنوی دوستدار کمال است؛ علاوه بر این که خود را می‌خواهد، و کمال خویش را نیز طالب است، دوست ندارد یکنواخت و در یک سطح بماند، و از آن جا که دارای میل‌های مختلفی است، بر اساس آگاهی که از خود و از جهان دارد، نفع و سود و کمال خویش را در یک چیز می‌بیند. و چون بینش‌ها و طرز تفکرها متفاوت است، هر انسانی به

دوره هشتم، شماره پنجم / ۲۵

سوی مطلوب مورد نظرش کشیده می شود. بعضی، کمالشان را در این می دانند که ثروت زیاد داشته باشند، انگیزه اینها حبّ ثروت است، خود را و همه عظمتشان را از عینک این حبّ می بینند و آن را مطلوب نهایی و اعلای خویش قرار می دهند. این انسانها نظامی را به نام نظام سرمایه داری بوجود می آورند و هر کاری که در جهت آن انجام گیرد دارای ارزش اخلاقی مثبت می دانند.

برخی دیگر از انسانها کمالشان را در تزئینات زندگی، شیک پوشی، تجملات، غذاهای لذیذ و رنگارنگ، شهوت پرستی و... می بینند. ارزش در نظر آنها کاری است که مطلوب نهایی آنها را تأمین نماید.

۲۶ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

گروهی دیگر، رسیدن به مقام و ریاست را هدف اعلا و نهایی قرار داده و همه نیروهای خویش را به جانب آن بسیج می کنند و

شکّی نیست که تمام این افراد، جویای کمال هستند؛ خود را دوست دارند و کمال خود را می خواهند، اما در تعیین آن با هم اختلاف دارند. در اینجا باید به بررسی بنشینیم که حقیقت انسان و فطرت کمال جوئی او چه مطلوبی را می جوید؟ به عبارت دیگر غایت ذاتی انسان چیست؟

همانگونه که در مبحث ضرورت تعلیم و تربیت بیان داشتیم تکامل انسان در رشد تکوینی و طبیعی او خلاصه نمی شود؛ انسان برخلاف گیاهان و حیوانات از حقیقتی خاص برخوردار است که لازمه

دوره هشتم، شماره پنجم / ۲۷

کمال وجودی او است و روی این لحاظ، کمال عالی تری از کمال گیاه و حیوان را طالب است. و اگر این مطلب را قبول کنیم که کمال هر موجودی بسته به مرتبه وجود او دارد، باید بپذیریم که انسان از کمال عالی تر برخوردار است؛ زیرا که وجود او کامل تر است. بنابراین، نباید در سطح گیاهان و حیوانات بماند، نباید هدف نهایی او در رشد و نمو بدن و آرایش تن و یا ارضاء شهوت و یا برتری جویی و سلطه طلبی خلاصه شود. او از نعمتی عظیم (روح الهی) برخوردار است که صفات و نیروهای ارزنده (اراده، اختیار، عقل، آگاهی و...) را به خود اختصاص داده است. روح و صفات و نیروهای او بالاتر از طبیعت است.

اهداف مقدّماتی را نباید به جای هدف اعلیٰ برگزید، حقیقت روح و قوای آن هدفی را در ماوراء عالم مادّه جستجو می کند؛ زیرا که عالم ماده دانی و پست است و روح عالی و بلند مرتبه است، و از دید عقل هیچ گاه دانی و پست، مقصود موجود عالی قرار نمی گیرد. روح به سوی بی نهایت می نگرد و موجودی را هدف ذاتی خویش قرار می دهد که کمال مطلق باشد.

بنابراین، اگر انسان از غریزه حبّ ذات برخوردار است و اگر حبّ ذات شوق و کشش به سوی کمال را در او بر می انگیزد، روح الهی او نیز مطلوب نهایی را در آن سوی طبیعت در کمال مطلق می نگرد. انسان از سوی طبیعت نیامده است تا بدان

دوره هشتم، شماره پنجم / ۲۹

باز گردد، او از سوی خدا آمده و باید خدا را هدف و مقصود خود قرار دهد.

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

بر اساس آنچه بیان داشتیم، ملاک ارزش اخلاقی مثبت، داشتن غایت ذاتی یعنی کمال مطلق است^۱.

آنچه (از صفات، افعال، ادراکات، امیال، نباتی، حیوانی، انسانی و...) در جهت این چنین مطلوبی باشد از ارزش مثبت برخوردار است و در غیر این صورت با مقایسه به غایت ذاتی، دارای ارزش منفی

۱. ما در مبحث هدف از تعلیم و تربیت چیست؟ در حدّ گنجایش آن مقاله از هدف اعلی سخن گفتیم.

۳۰ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

خواهد بود، و باید و نبایدهای ناشی از این مطلوب ذاتی، دارای ارزش اخلاقی مثبت هستند.

آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد؟

پس از آن که روشن شد ملاک ارزش اخلاقی در چیست، این سؤال پیش می‌آید که آیا مسائل تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد؟

گفته شد که ارزش متکی به اصولی است؛ اگر این اصول را در مسائل تعلیم و تربیت یافتیم، آن مسائل بار ارزشی دارند - خواه ارزش مثبت یا منفی - باید توجه داشت آنچه در مسأله تعلیم و تربیت مطرح است، ارزش اخلاقی است، نه ارزش فلسفی، اقتصادی، ذهنی و علمی. ما با دقت و توجه در مسائل تعلیم و تربیت، اصول ارزش اخلاقی را در آن

دوره هشتم، شماره پنجم / ۳۱

می یابیم؛ زیرا تعلیم و تربیت - آن گونه که آن را تعریف کردیم - درباره موجودی مطرح است که دارای اختیار باشد، میل ها و کشش های گوناگون در وجودش باشد، و از درک و عقل و انتخاب آگاهانه برخوردار باشد. وگرنه تعلیم به معنی ایجاد رشد عقلی در فرد متعلم و یا تربیت به معنی رشد استعدادها در جهت مطلوب شایسته، در مورد طبیعت مادی صورت نمی گیرد؛ زیرا طبیعت از داشتن اختیار و میل های گوناگون و انتخاب آگاهانه محروم است. بنابراین، مسائل تعلیم و تربیت از این نظر که در بردارنده اصول ارزشی اخلاقی است، بار ارزشی دارد، اما این که بگوییم آن مسائل دارای بار ارزشی مثبت است، قضاوت قطعی در نفی و اثبات آن نمی توانیم

۳۲ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

بکنیم؛ زیرا که ملاک ارزش اخلاقی مثبت، غایت ذاتی و کمال مطلق بود و بسیاری از مسائل تربیتی و تعلیمی از چنین مطلوبی برخوردار نیست. تعلیم و تربیت در نظام غربی و شرقی مطلوب امکانی و مادی دارد؛ مطلوب آن، ریاست، تمرکز ثروت، مادیّت، شهوت و... می باشد، و مسائلی که در جهت غیر کمال مطلق باشد، دارای ارزش منفی است. بدین لحاظ، باید دست به تقسیم بزنییم و بگوییم: آن مسائلی که در جهت مطلوب شایسته مقام انسانی؛ یعنی کمال مطلق باشد، دارای بار ارزشی مثبت و در غیر این صورت، دارای بار ارزشی منفی خواهد بود.

و ما در تعریف تعلیم و تربیت از دیدگاه مکتب اسلام، بیان داشتیم که تربیت، عبارت است از متخلّق

دوره هشتم، شماره پنجم / ۳۳

شدن به اخلاق الهی و مؤدب شدن به آداب الهی. و بر اساس این تعریف، چون قرب الهی و مطلوب حقیقی و کمال مطلق منظور شده است، مسائل تعلیمی و تربیتی در اسلام، صددرصد بار ارزشی مثبت دارند.

عشق بزرگ تر

برای تربیت انسان، برای ساختن بشر، باید در او عشقی آفرید که از تمام غریزه ها نیرومندتر باشد و باید در او نیرویی گذاشت که تمام زنجیرها را با خود بردارد و تمام نگهبان ها را همراه بکشد. و مادام که این عشق عظیم و این نیروی بزرگ در انسان نیاید و پا نگیرد برای انسان حرکتی نخواهد بود و از بند اسارت ها نجاتی نخواهد یافت.

۳۴ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

قرآن می گوید: **وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ**؛ آنها که بسوی حق گرویده اند و بسوی الله آمده اند، از عشق، از محبت شدیدتری نسبت به حق برخوردارند. ما از محبوب های خود بخاطر محبوب تری چشم می پوشیم و خوب را فدای خوب تر می کنیم، و آنچه با اهمیت تر است انتخاب می کنیم. با آن که پول را دوست داریم، می دهیم تا به آنچه بیشتر می خواهیم برسیم. با آن که جان خود را دوست داریم از جان خود می گذریم تا به آزادی دست یابیم.

عشق شدیدتر و حب الله ما را از اسارت غرایز، حب نفس و حب دنیا آزاد می کند.

دوره هشتم، شماره پنجم / ۳۵

ابراهیم با آنکه اسماعیل را دوست دارد و خیلی هم دوست دارد، در راه حق و بخاطر دستور او قربانی می کند.

* * *

چگونه می توان این عشق را در نهاد انسان بر افروخت و چگونه می توان او را از محبت سرشار کرد؟

جواب این سؤال خیلی ساده است. ما چه وقت عاشق یک پارچه، ماشین و یا عاشق ثروت و قدرت می شویم؟ هنگامی که آن را می شناسیم و ارزش آن را می یابیم، همان وقت به سوی او می شتابیم.

۳۶ / آیا تعلیم و تربیت بار ارزشی دارد

معرفت و شناخت، عشق را سبز می کند^۱ و به وجود می آورد. شناخت خوبی ها در انسان عشق را زنده می کند و شناخت بدیها نفرت را و این عشق و نفرت انسان را به حرکت می اندازد.

بهبتر بگویم ما عاشق آفریده شده ایم. با سنجش و مقایسه، معشوق و معبود را انتخاب می کنیم. عشق و نفرت و ترس در ما هست. ما با شناخت ها و مقایسه ها، به این ها جهت می دهیم و آنها را رهبری می کنیم.

۱. عشقی که بدون شناخت باشد، همان جذبه ای است که تم ها را به هم پیوند داده، این عشق ارزش ندارد که انتخاب انسان نیست.

شناخت

معرفت و شناخت را چگونه بدست بیاوریم؟
با تفکر و تجربه، با این دو عامل انسان به
شناخت ها می رسد. علوم و معارف انسان در طول
قرن ها، از همین راه بدست آمده و رشد کرده و
جوانه زده است.

پس تفکر سنگ اوّل رشد انسان و زیر بنای
تربیت او و سر نخ این کلاف سردرگم است .
ادامه تفکر، شناخت است و ادامه شناخت،
محبت است و ادامه محبت، حرکت، عمل، آزادی،
رشد، تکامل و آدم شدن و انسان شدن^۱.